

مجله‌ی مطالعات ایرانی

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال نهم، شماره‌ی هفدهم، بهار ۱۳۸۹

جلوه‌های فرهنگ ایران باستان و اسلام در «ویس و رامین»*

دکتر زرین تاج واردی

استادیار دانشگاه شیراز

لیلا عبدی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز

چکیده

یکی از مشهورترین منظومه‌های عاشقانه در تاریخ ادب فارسی، منظومه‌ی «ویس و رامین» است. اهمیت این منظومه غالباً به دلیل نقشی است که در تاریخ داستان‌سرایی ادب فارسی داشته است؛ اما علاوه بر آن، شاهد ویژگی‌های لغوی و فرهنگی کم‌نظیری در این مجموعه هستیم که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به حضور لغات مهجور پهلوی و تلاقی فرهنگ‌های قبل و بعد از اسلام، اشاره کرد. از آنجا که اصل منظومه متعلق به ادوار قبل از اسلام است و پس از اسلام مجدداً منظومه تدوین شده است؛ فخرالدین اسعد گرگانی با ابتکار و خلاقیت فوق‌العاده‌ی خود، در خلال توصیفات یا صحنه‌ها هم به آرایش، پوشاک و آداب و رسوم اشکانی و ساسانی و معتقدات مذهبی اشاره می‌کند و هم پیوسته از تلمیحات و اشارات قرآنی سخن می‌گوید. نوشته‌ی حاضر بر آن است تا ضمن اشاره به حضور فرهنگ، اعتقادات و آداب و رسوم گوناگونی که در منظومه موجود است؛ نگاهی نیز به لغات مهجور پهلوی که در دیوان موجود است، داشته باشد.

واژگان کلیدی

ویس و رامین، آداب و رسوم، اشکانی، ساسانی، اسلامی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۲/۷ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۱۵

نشانی پست الکترونیک نویسنده: _____

۱- مقدمه

هریک از متون کهن جهان، در برگیرنده‌ی آداب و رسوم و فرهنگ زمان خود یا مردم آن سرزمین هستند. در این متون، نویسندگان یا شاعران ضمن معرفی اثر خود، آداب، سنت‌ها، مذهب، پوشش آن سرزمین و سایر ابعاد فرهنگی را به نمایش می‌گذارند. متونی که در ایران پدید آمده‌اند، نیز از این قاعده مستثنی نیستند و در آن‌ها شاهد حضور جوانب مختلف فرهنگی و آداب و رسوم هستیم.

یکی از انواع این گونه متون «داستان‌ها» هستند. آن‌ها به خواننده کمک می‌کنند که با فضای فرهنگی نسل‌های پیش از خود آشنا شود و یکی از برجسته‌ترین مصادیق این گونه داستان‌ها داستان عاشقانه‌ی «ویس و رامین» است.

آن گونه که از شواهد تاریخی برمی‌آید، اصل آن متعلق به ادوار قبل از اسلام و به زبان پهلوی بوده است؛ اما با این وجود، این داستان تا قرن پنجم از محبوبیت در میان مردم برخوردار بوده است. فخرالدین اسعد گرگانی، شاعر منظومه، در مقدمه‌ی خود یکی از دلایل نظم این داستان را همین می‌داند:

مرا یک روز گفت آن قبله‌ی دین چه گویی در حدیث ویس و رامین که می‌گویند چیزی سخت نیکوست درین کشور همه کس داردش دوست بگفتم کان حدیثی سخت زیباست ز گرد آورده‌ی شش مرد داناست ندیدم زان نکوتر داستانی نماند جز به خرم بوستانی^(۱)

(۳۳-۲۹/۷)

به نظر می‌رسد این داستان، اصلی بسیار قدیمی داشته و «به مرور ایام در حالی که داستان سینه به سینه نقل می‌شده، از ادوار تاریخی مختلف، تأثیر پذیرفته است.» (غلامرضایی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۲) و سپس، در زمان اشکانیان یا ساسانیان تدوین شده است.

نکات مثبتی که این منظومه را از سایر متون متمایز می‌کند، این است که در وهله‌ی نخست در آن شاهد حضور تعداد زیادی واژگان اصیل پهلوی هستیم و علاوه بر آن، به آداب و رسوم و نوع پوشش ایرانیان در قبل از اسلام نیز اشاره می‌شود. به موازات این، نکاتی نیز در مورد آداب و رسوم زمان شاعر یعنی قرن پنجم در آن درج شده است که این تلاقی فرهنگ قبل از اسلام و بعد از آن را در کمتر منظومه‌ای می‌توان یافت.

مقاله‌ی حاضر بر آن است تا ضمن معرفی بعضی از واژگان مهجور پهلوی به بررسی آداب و رسوم، پوشش، فرهنگ، آداب مذهبی، دین زرتشت و عقاید اسلامی موجود در منظومه‌ی ویس و رامین بپردازد. ابتدا نگاهی به حوزه‌ی لغوی و واژگان مهجور منظومه خواهیم داشت.

۲- واژگان

واژگان پهلوی این منظومه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۲-۱- واژگانی که به شکل اصلی پهلوی استعمال شده و تغییرات بعدی

لهجه‌های فارسی را نپذیرفته‌اند؛ مانند:

- «پول» که در پهلوی (puhl) است و در فارسی همان «پل» می‌باشد.

دو کردی شوی و هر دو از تو بدرود چه ایشان و چه پولی زان سوی رود (۴۲/۱۲۳)

- «گسی کردن» در پهلوی (vosi) آمد و «گسیل کردن» فارسی آن است:

مدار او را به بوم ماه آباد سوی مروش گسی کن با دل شاد (۱۵/۶۸)

- «نفریدن» در پهلوی (nifritan) است که در فارسی «نفرین کردن» آمده:

بسی نفرید برگشت زمانه که کردش تیر هجران را نشانه (۳۱/۱۴)

- «گیا» در پهلوی (gya) است که در فارسی «گیاه» است:

گیا هر چند خود روید به بستان دهندش آب در سایه‌ی گلستان (۷/۶۷)

- «او مید» که در فارسی «امید» می‌باشد:

هم آلوده شود در ننگ جاوید هم از مینو بشویم دست او مید (۴۱/۱۰۲)

- «کاوین» در پهلوی (kāvēn) است و در فارسی به «کابین» تبدیل شده:

اگر با تو کسی پیوند جوید ازو مادرت کابین چند جوید (۷۴/۸۰)

۲-۲- لغاتی که به شکل بومی یا به لهجه‌ی محلی ضبط شده‌اند؛ مانند:

«خسوران» که در تمامی فرهنگ‌های لغت به معنی «پدر شوهر یا پدر زن»

آمده، ولی در این بیت به معنی داماد است:

پس آنکه گفت با خورشید حوران سلامت باد بسیار از خسوران (۱۵/۳۲)

«باشگونه» به معنی واژگون یا واژگونه:

سر سرو سهی شد باشگونه دوتا شد پشت او همچون درونه (۱۲۵/۲)

«یافه» که همان یاوه است:

بگفت ای دایه تا کی یافه گویی ز نادانی در آتش آب جویی (۴۱/۱۲۸)

۲-۳- لغات مهجور فارسی - پهلوی که با معانی صحیح خود به کار رفته‌اند. درصد این لغات بسیار زیاد است؛ از آن جمله می‌توان به لغات زیر اشاره کرد:

- آهیختن = برکشیدن، کشیدن

برآهخت از بر سیمینش سنجاب بگسترده میان آن گل و آب (۵۹/۱۹۲)

- پنداشتی = قهر

نگارانه همه پنداشتی کن زمانی دوستی و آشتی کن (۹۰/۵۰)

- پسیدن = آماده شدن

کنون پسید تا تیمار بینی جدایی را چون نیش مار بینی (۴۹/۳۹)

- باژ = باج و خراج

سراسر ارمن و از آن گرفته چو باژ از قیصر و خاقان گرفته (۶۴/۲)

- بوختن = نجات دادن، رهایی بخشیدن

شب تاریک بر من روز گردان کنار تو مرا جان بوز گردان (۵۹/۱۷۳)

- خسته = مجروح

گهی چون مار سرخسته بیچید گهی چون خم پر شیره بجوشید (۱۸/۳۱)

- کوشش = جنگ

چو دیواند گاه کوشش اینان جهان از دست ایشان شد پریشان (۱۲۱/۱۴)

- ویوکان = عروسان

درو خرم ویوکان و خسوران عروسان دختران داماد پوران (۱۶/۲۱)

این لغات آن طور که در سبک‌شناسی بهار آمده است، مربوط به دوره اول، یعنی اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هستند و در دوره بعد، یعنی دوره سلجوقیان و در متون فارسی دیده نمی‌شوند (بهار، ۱۳۷۵، ص ۳۱۸).

۳- آداب و رسوم اشکانیان و ساسانیان

یکی از مواردی که در «ویس و رامین» نمود و جلوه‌ی خاصی دارد حضور آداب و رسوم مربوط به دوره اشکانی و ساسانی است که بالطبع از متن اصلی باقی مانده و وارد متن «فخرالدین اسعد» شده است.

۳-۱- آداب و رسوم اشکانیان

پارتیان یا پرتوه قومی بودند که در گوشه‌ی شمال شرقی ایران کنونی زندگی می‌کردند. آن‌ها سلسله‌ی اشکانی را در حدود سال ۱۵۰ ق.م پایه‌گذاری کردند.

تارن آن را سال تاجگذاری تیرداد یکم، دومین پادشاه اشکانی، دانسته است؛ ولی به نظر می‌رسد زمان تأسیس این سلسله ارشک یکم که پایه‌گذار دودمان اشکانی است، باشد (یارشاطر، ۱۳۸۰، ص ۱۳۰). این پادشاهی سرانجام پس از چند قرن حکومت، در سال ۲۲۴ م به دست اردشیر یکم ساسانی، وارث پادشاهی پارس سقوط کرد (همان، ص ۱۹۵). اما ساسانیان تمام یا بیشتر آثار باقی مانده از آن‌ها را نابود کردند؛ به طوری که مثلاً فردوسی در قرن چهارم از آن‌ها به جز نام نشینده بود. تنها سنگ نبشته‌ها و کوزه‌هایی که در نسا و دورا و چند شهر دیگر باقی ماند، گوشه‌ای از آداب و رسوم اشکانیان را آشکار می‌کنند. در این منظومه نیز به گوشه‌ای از آداب و رسوم اشکانیان پرداخته شده است؛ مثلاً چنانکه از اسناد قانونی دورا برمی‌آید، زنان اشکانی بیشتر بی‌سواد بوده‌اند (مشکور، رجب نیا، ۱۳۷۴، ص ۷۷). این بیت در ویس و رامین نیز به همین موضوع اشاره دارد:

رخش از نامه خواندن شد زریری که خود دانست کم مایه دیری (۷۸/۸)

این که ویس، اندکی سواد داشت، نشانگر این است که بعضی زنان در خانواده‌های اشرافی سواد داشته‌اند که ویس نیز یکی از آن‌هاست.

همچنین بیت زیر:

چه مایه ریخت خون گوسفندان بیخشد آن همه بر مستمندان (۱۱۹/۳۶)

که نشان دهنده‌ی این است که اجرای مراسم قربانی در میان اشکانیان به نحو گسترده انجام می‌شده؛ در حالی که این مغایر با آداب و رسوم ایرانیان پیش از اشکانی تلقی می‌شود (خدادادیان، ۱۳۷۹، ص ۲۵۹).

۲-۳- آداب و رسوم ساسانیان

اردشیر پس از شکست دادن آخرین پادشاه ساسانی، در حدود سال ۲۲۶ م. سلسله‌ی ساسانیان را به نام جد خود، ساسان، در فارس پایه‌گذاری کرد (یارشاطر، ۱۳۸۰، ص ۲۲۰). این سلسله در زمان شاپور دوم به اوج قدرت خود رسید (همان، ص ۲۳۲). خسرو پرویز برای این سلسله ثروت انبوهی اندوخت و شکوه و رونق خاصی به پادشاهی ساسانیان داد (همان، ص ۲۶۷). پس از او یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی بر تخت نشست که در نبرد نهاوند، در سال ۶۴۲ م. به دست سپاهیان اسلام، شکست خورد و سرانجام، دفتر امپراطوری ساسانیان که از مدت‌ها پیش از درون متلاشی شده بود. در سال ۶۵۱ م. بسته شد (همان، ص ۲۶۹).

آثار به جا مانده از ساسانیان بیشتر از اشکانیان است. مثلاً با مراجعه به کتیبه‌ها، کتاب‌ها (چه کتاب‌هایی که ایرانیان نوشته‌اند و چه کتاب‌های خارجی‌ان) و آثار باستانی می‌توان به آداب و رسوم و روش زندگی آن‌ها پی برد. از مهمترین مواردی که در مورد آداب و رسوم ساسانیان در داستان مطرح شده به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- ذکر آتشکده‌ی برزین مهر که از آتشکده‌های معروف ساسانیان است:

پس آنگه دخمه‌ای فرمود شهوار چنان شایسته جفتی را سزاوار
برآورده از آتشگاه برزین رسانیده سر کاخش به پروین (۶-۱۲۵/۳۵)

- در داستان فصل بهار در آذرماه است:

کجا آنگه ز گشت روزگاران در آذرماه بودی نوبهاران (۱۴/۲۴)

که با توجه به تغییر فصول و گردش آن‌ها آنچنان که مینوی هم اعتقاد دارد، فقط در قرن پنجم میلادی یعنی ۱۲۰ سال قبل از اسلام، موسم بهار می‌توانسته در آذرماه اتفاق افتاده باشد (مینوی، ۱۳۳۳، ص ۱۹). این زمان، ۱۲۰ سال قبل از اسلام و مقارن با حکومت ساسانیان است.

- یکی از آداب و رسوم ساسانیان این بود که برای خوشبو شدن دوات، مشک و گلاب به کار می‌بردند؛ چون در اصل مرکب بدبو بوده است؛ مثلاً کریستین سن در مورد عادات خسرو پرویز چنین می‌گوید: «چون بوی پوست‌های تحریر را دوست نداشت، مقرر فرمود که نامه‌ها را بر کاغذی که به گلاب و زعفران آغشته باشد، بنویسند» (کریستن سن، ۱۳۳۲، ص ۴۹۸). این بیت در ویس و رامین نیز ناظر بر همین مطلب است:

قلم بر گیر مشکینا به مشک آب یکی نامه نویس از من به گوداب (۸۰/۵۶)

و یا اینکه نامه را به سنگ‌ها و جواهرات قیمتی تزیین می‌کردند و شاید آن طور که کریستن سن می‌گوید، در روی پارچه مروارید حقیقی می‌دوخته‌اند (همان، ص ۳۹۴).

به نامه در سخن‌ها گفت شیرین به گوهر کرده وی را گوهر آگین (۲۷/۲)

۴- پوشاک اشکانیان و ساسانیان

از آنجا که ساسانیان در بسیاری از آداب و رسوم پیرو اشکانیان بوده‌اند، به نظر می‌رسد آرایش چهره و طرز لباس پوشیدنشان نیز بسیار شبیه به اشکانیان بوده

است؛ مثلاً موی مردان بلند بوده است، این امر هم در مورد مردان پارسی و هم ساسانی صدق می‌کند، در ویس و رامین نیز ابیات زیادی در این مورد آمده است: هنوزش بود کافوری زنخندان دو زلفش بود چون مشکین دو چوگان (۴۰/۷) در مصراع دوم این بیت که وصف چهره‌ی رامین است، به بلند بودن موی او اشاره شده است.

- همچنین، زنان حجاب دارند و چادر می‌پوشند:

بیارم ویس را بی کفش و چادر پیاده چون سگان در پیش لشکر (۵۱/۸۶) و یا:

چو بران شد ز پرده جست بر بام ربودش باد از سر لعل و اشام (۶۷/۸۵) و اشام همان مقنعه یا روسری است.

- در پوشش لباس‌های اشکانی پیراهن‌هایی دیده می‌شود که از پارچه‌های منقش به خصوص قلابدوزی شده است که این از یادگار دوران قدیم می‌باشد؛ احتمالاً به دلیل علاقه‌ی اشکانیان به استفاده از جواهرات فراوان در روی بعضی از این پارچه‌ها، طلا یا سنگ‌های قیمتی می‌نشانند؛ همانطور که روی کفش‌ها چنین سنگ‌هایی به چشم می‌خورد (ضیاءپور، ۱۳۴۲، ص ۶۴).

بیت زیر از ویس و رامین نیز این موضوع را تأیید می‌کند:

به نقش لعل در وی بافته زر چو روی بیدل و رخسار دلبر (۷۳/۵۱)

همچنین، لباسی که زنان ساسانی و اشکانی می‌پوشیدند، پیراهنی بلند بوده که تا روی زمین می‌رسید و فراخ، پرچین و آستین‌دار و یقه‌دار بود که کمربندی برای جمع کردن گشادی پیراهن بر روی آن می‌بستند (همان، ص ۸۱). در این بیت نیز این نوع پوشش تصویر شده است.

یکایک را زرناب و گوهر بد کمرها بر میان و تاج بر سد (۹/۱۵)

۵- آداب مذهب زرتشت

یکی از مواردی که از دین زرتشتی به داستان وارد شده، مسأله‌ی ازدواج با محارم یا خویدوده [xvēdodah] است:

چو در گیتی تو را همسر ندانم	به ناهمسرت دادن چون توانم
در ایران نیست جفتی با تو همسر	مگر و پرو که هستت خود برادر
تو او را جفت باش و دوده بفروز	وزین پیوند فرخ کن مرا روز

زن و یرو بود شایسته خواهر عروس من بود بایسته دختر (۷-۱۴/۴)

به نظر می‌رسد این رسم در میان ایرانیان قبل از زرتشت رواج داشته است و سپس، در دین زرتشت نیز بر آن تأکید شده است. «در واقع، چنین ازدواجی نشانه‌ی طبیعی و بارزی از جنگ علیه دنیای اهریمنی برای ایجاد جهان پاکی و خالی از تباهی است. شخص نژاد و تخمه‌ی خود را می‌شناسد، به افراد خانواده‌ی خود اطمینان دارد و می‌داند که آنان اسیر اهریمن و آلوده به پلیدی‌ها نخواهند شد؛ بلکه با وفاداری و پشتکار در نابودی دنیای اهریمنی خواهند کوشید.» (بویس، ۱۳۴۸، ص ۸-۱۱۷).

در رساله‌ی مینوی خرد، در ضمن اشاره به گناهان بزرگ، یکی از آن گناهان را گناه کسی می‌داند که ازدواج با نزدیکان را بر هم زند (تفضلی، ۱۳۶۴، ص ۲۵).

و یا در شایسته نشایست چنین آمده است:

«نرسی برزمهر گفته است که [کرفه] خویدودس [گناه] مرگ ارزان را نابود کند.» (مزداپور، ۱۳۶۹، ص ۱۰۱) و یا کرتیر موبد بزرگ عصر ساسانی در سنگ نوشته‌ی خود تصریح می‌کند که یکی از کارهای برجسته‌اش، گسترش اصل خویدوده در میان مردم بوده است» (بویس، ۱۳۷۵، ص ۱۳۱).

علاوه بر این، در متون دیگر مانند ویسپرد؛ زادسپرم و ... نیز بر انجام این رسم تأکید شده است.

- از دیگر آدابی که از مذهب زرتشت، در این داستان به آن اشاره شده است، ساختن دخمه برای مردگان است. چنان که ویس را در دخمه‌ای در آتشکده‌ی برزین مهر می‌گذارند:

پس آنگه دخمه‌ای فرمود شهوار چنان شایسته جفتی را سزاوار (۲۵/۱۲۵)

- یکی از راه‌ها برای اثبات بی‌گناهی افراد، آزمایش آتشین بود که موبد نیز برای اثبات بی‌گناهی ویس، به این کار دست می‌زند:

کنون من آتشی روشن فروزم بر او بسیار مشک و عود سوزم (۳۳/۵۴)

همانطور که در مصراع دوم آمده، از رسم مشک و عود بر آتش ریختن سخن رفته که از عقاید زرتشتی است و اعتقاد آن‌ها بر این است که «در اثر آتش و بوی خوش، دیوان همه سست و ناتوان بشوند» (هدایت، ۱۳۴۲، ص ۶۶).

۶- آداب دین اسلام

فخرالدین اسعد در جای جای داستان، اعتقادات اسلامی را نیز وارد منظومه کرده است؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دلش بریان و آن دو دیده گریان چو تنوری کز او برخاست طوفان (۴۳/۴۲)
مصراع دوم اشاره دارد به داستان طوفان نوح که با توجه به تفاسیر اسلامی از
تنور حوا برخاست (رازی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۷۱).

- بیارید این پلید بدکنش را بلایه گند پیر سگ منش را (۴۷/۲)
سگ در دین زرتشت، حیوانی بسیار مقدس است و در بعضی از قسمت‌های
اوستا و متون پهلوی در مورد تقدس آن سخن گفته‌اند؛ مثلاً فرگرد سیزدهم
وندیداد را سگ نامه عنوان کرده‌اند (رضی، ۱۳۸۲، ص ۶۹)، اما با توجه به آنچه از
این بیت می‌توان برداشت کرد، شاعر زشت و پلید شمردن سگ را از عقاید اسلامی
خود وارد منظومه کرده است.

- در منظومه به داستان یاجوج و ماجوج اشاره شده است که برگرفته از
تفاسیر اسلامی است.

تو گفتی سد یاجوج است لشکر هم ایشان باز چون ماجوج بی مر (۵۲/۵)
- و یا اشاره به داستان حضرت نوح:

اگر جان هزاران نوح دارم یکی جان را از او بیرون نیارم (۷۲/۴۳)
- و اشاره به آب حیات و چشمه‌ی حیوان:

نه او را جان به کوهی باز بستست و یا در چشمه‌ی حیوان بستست (۵۷/۳۲)
- معتکف شدن نیز از دین اسلام وارد منظومه شده است:

در آتشکده مجاور گشت و بنشست دل پاکیزه با یزدان پیوست (۳۵/۷)
در دین زرتشتی هرگونه آیین رهبانیت و زهد به شدت نکوهیده است. از این
موارد در منظومه بسیار دیده می‌شود که فقط گوشه‌ای از آن‌ها در اینجا بیان شد.

۷- نتیجه

با مطالعه‌ی منظومه‌ی ویس و رامین و تحلیل این متن از دیدگاه لغت و آداب
و رسوم درمی‌یابیم که این منظومه به راستی میراثی گرانبه‌تر از ادوار گذشته است
که توانسته است گنجینه‌ای از لغات مهجور دوره‌ی پهلوی را در خود جای دهد که
از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به لغاتی مانند پول، نفریدن، اومید، کاوین، خسوران و ...
اشاره کرد.

همچنین، این منظومه نقطه‌ی تلاقی آداب و رسوم، اعتقادات و فرهنگ قبل از
اسلام و پس از آن است. در این منظومه هم شاهد حضور آداب و رسوم دوره‌ی

ساسانیان و مذهب زرتشتی مانند ازدواج با محارم هستیم؛ هم پوشاک و آداب و رسوم اشکانیان به تماشا گذارده می‌شود و هم به تلمیحات قرآنی مانند طوفان نوح اشاره می‌شود.

بدون تردید، در میان منظومه‌های عاشقانه، کمتر مجموعه‌ای است که در عین پرداختن به موضوع محوری یعنی عشق، توانسته باشد اینگونه در خلال صحنه‌های توصیفی، فرهنگ‌های مختلف را در خود جای دهد.

یادداشت‌ها

۱. در این مقاله، نسخه‌ی اساس منظومه ویس و رامین، نسخه‌ی محمد روشن است که ابیات با توجه به شماره‌ی گفتار (در سمت چپ) شماره‌ی بیت (در سمت راست) شماره‌گذاری شده است.

کتابنامه

۱. بویس، مری. (۱۳۴۸). *دیانت زرتشتی*. ترجمه‌ی فریدون وهمن، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲. بویس، مری. (۱۳۷۵). *تاریخ کیش زرتشت*. ترجمه‌ی همایون صنعتی زاده، ج ۲، تهران: توس.
۳. بهار، محمد تقی. (۱۳۷۵). *سبک‌شناسی*. ج ۱، تهران: امیر کبیر.
۴. تفضلی، احمد. (۱۳۶۴). *مینوی خرد*. تهران: توس، چاپ دهم.
۵. خدادادیان، اردشیر. (۱۳۷۹). *اشکانیان*. تهران: نشریه به دید.
۶. رازی، ابوالفتوح. (۱۴۰۴). *روض الجنان و روح الجنان*. قم، کتابخانه‌ی مرعشی نجفی.
۷. رضی، هاشم. (۱۳۸۲). *دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زرتشت*. تهران: سخن.
۸. ضیاپور، جلیل. (۱۳۴۳). *پوشاک ایرانیان*. تهران: هنرهای زیبای کشور.
۹. غلامرضایی، محمد. (۱۳۷۰). *داستان‌های غنایی منظوم*. تهران: فردابه.
۱۰. گرگانی، فخرالدین اسعد. (۱۳۸۱). *ویس و رامین*. به کوشش محمد روشن، تهران: نشر صدای معاصر.
۱۱. کریستن سن، امانوئل آرتور. (۱۳۱۴). *وضع ملت و دولت و دربار در دوره‌ی شاهنشاهی ساسانیان*. ترجمه‌ی مجتبی مینوی، تهران: نشر کمیسیون معارف.
۱۲. مزدآپور، کتایون. (۱۳۶۹). *شایسته نشایسته*. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۳. مشکور، محمدجواد؛ رجب‌نیا، مسعود. (۱۳۷۴). *تاریخ سیاسی اشکانیان، پارتیان یا پهلویان قدیم*. تهران: دنیای کتاب.
۱۴. مینوی، مجتبی. (۱۳۳۳). *ویس و رامین*. در مجله‌ی سخن، دوره‌ی ششم.
۱۵. هدایت، صادق. (۱۳۴۲). *زند و هومن یسن*. تهران: امیر کبیر.
۱۶. یارشاطر، احسان. (۱۳۸۰). *تاریخ ایران*. ج ۳، قسمت اول، تهران: امیر کبیر.